

ترامپیسسم (عجالتا یعنی رفتار، حرکات و سکنات دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا) یک عارضه و بیماری است. این بیماری رمز نمی‌شناسد و ممکن است فردی، یا گروهی و یا حتی جامعه‌ای به آن مبتلا شوند. مثال اسبارت‌ها در یونان باستان که قوم «هلوت» را به بردگی کشیده بودند و یا اکثر نخبگان سیاسی و مالی غرب معاصر که به کل جهان غیر غرب به دیده تحقیر می‌نگرند و معتقد هستند هر کسی و هر قومیتی به قد و قامت فرنگی‌ها و غربی‌ها درآید، انسان و یا جامعه توسعه‌یافته‌ای است و هر که هم از این قاعده عدول کند، عقب مانده است. البته آنها در این حرف‌شان هم صادق نیستند، بلکه بهتر است بگوییم غربی‌ها مثل ترامپ که رژیم سعودی را گاو شیره می‌بینند و مرتب این رژیم را می‌دوشند، همه مخلوقات عالم را با این چشم می‌بینند و در مواجهه با ایشا و پدیده‌ها و انسان‌ها و جوامع و قومیت‌ها، از همان ابتدا محاسبه می‌کنند که این مورد، چقدر به آنها سود می‌رساند و به اصطلاح، چقدر شیر می‌دهد.

ترامپیسسم یک عارضه است؛ ویژگی عارضه این است

که ذاتی انسان نیست، بلکه یک عامل بیرونی است، میکروبی است که از بیرون وارد بدن و یا جامعه می‌شود و آن را بیمار می‌کند.

اما، واقعا ترامپیسسم چیست؟ این واژه جدیدا بر سر زبان‌ها افتاده است و هر کارشناس و تحلیلگری به مناسبتی از آن استفاده می‌کند. منظور همه این

خود، فردی موفق بوده و به خوبی توانسته پول دربیارد. به همین دلیل، اگر به ریاست جمهوری برسد، می‌تواند عظمت از دست رفته را به آمریکا برگرداند.

در منطق ترامپ، آمریکا در هر صورت باید به عظمت گذشته خود برگردد، هر چند با نابود شدن همه کشورهای دیگر و حتی با نابود شدن کل کره زمین!

البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که این کتاب صرفا ذهنیات ترامپ را بازگو نمی‌کند، بلکه یک تئوریون و یا بهتر است که بگوییم، یک مرامنامه و یا اینه

جهد گر به دنبال نجات انسان‌ها و به خصوص آنهایی است که دست‌شان به جایی نمی‌رسد. ترامپ می‌گوید: من ثروت دارم، پس قدرت دارم و پس همه باید در خدمت من باشند. اما جهاد گر می‌گوید: من خدمتگذار دیگران هستم. فردی که به این مرتبه می‌رسد، انسانی شاخص و قابل اتکا است.



نویسندگان و تحلیلگران، «ترامپ گونه شدن» است؛ یعنی فردی که خصلت‌های رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را در خود بروز می‌دهد. این فرد به خاطر موفقیت‌هایی که فکر می‌کند داشته، خیلی مغرور است، پرتازه خودش را کاملاً بر حق و درست می‌داند و با تکیه بر همین تخیل، به یک اعتماد به نفس کاذب هم می‌رسد.

ترامپ می‌گوید: من پول دارم، پس قدرت دارم، پس اعتماد به نفس دارم، پس برترین هستم و همه باید از من اطاعت بکنند. در یک کلام، «من منم!» او می‌گوید، من پول دارم، پس جهان مال من است و همه باید به من احترام بگذارند و ارزش‌هایی مثل راستگویی و درستکاری در نزد من پیشوی ارزش ندارند! این ارزش‌ها فقط از آن جهت ارزش دارند و آن زمانی است که تبدیل به نردبانی برای رسیدن به پول و قدرت شوند.

بزرگان این روحیه ترامپ در کتابی به نام «مریکای زمینگر» که خودش نوشته (البته برای او نوشته‌اند، چون پول دارد) به خوبی قابل مشاهده است. حرف آخر ترامپ در این کتاب این است که وی که در زندگی شخصی

زمانی که تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱ شروع شد عربستان از جمله کشورهای بود که از دمشق در برابر مخالفان در ابتدا حمایت می‌کرد. علت این مسئله نیز به ماهیت و نوع نظام سیاسی عربستان برمی گردد. نظام پادشاهی مطلقه حاکم بر این کشور از هرگونه موج انقلابی در منطقه و به ویژه در کشورهای عربی هراس دارد و به همین دلیل تفاوت چندانی بین کشور دوست و دشمن برای عربستان در این مورد نیست. حمایت از کودتای نظامی در مصر، پناه دادن به رئیس‌جمهور فراری تونس و یمن، لشگرکشی به بحرین برای سرکوب انقلاب و حمله نظامی به یمن تنها چند نمونه از هراس عربستان از موج انقلاب در منطقه است. اما عربستان در سال ۲۰۱۱ خیلی سریع از مرحله حمایت از سوریه به مرحله تقابل با این کشور تغییر جهت داد. علت این مسئله نیز این بود که ریاض بحران سوریه را فرصتی برای ضربه زدن به محور مقاومت و رقیب همیشگی خود یعنی ایران می‌دانست و از سوی دیگر علمای وهابی با تحریک جوانان زمینه‌ساز شروع جنگ مقدس و یا جهاد در سوریه شدند. بنا براین عربستان با قدرت تمام در کنار مخالفان در سوریه ایستاد و حتی ۲ هزار نیروی سعودی برای به اصطلاح جهاد وارد سوریه شدند. علاوهبر این تجهیز و تامین نیرویست‌ها نیز سیاست ثابت ۸ سال گذشته عربستان در مورد سوریه بوده است.

اما پس از ۸ سالال روند تغییر موضوع عربستان در مورد سوریه شروع شده است. در این راستا عربستان کنسول و دو کارمند را به سفارت خود در دمشق فرستاده است. اطلاعات نشان می‌دهند که هنوز سفارت‌خانه عربستان به روی مراجعه‌کنندگان باز نشده است اما فرستادن کنسول و کارمندان نشان دهنده یک تغییر است و احتمالا تحولی در موضوع اجازه دادن به سوری‌ها برای به جا آوردن مناسک حج امسال باشد. از سه ماه پیش اداره حج در وزارت کشور سوریه نامهای را برای عربستان فرستاده و از ریاض درخواست کرده موعدی را برای نشست با مسئولان این اداره مشخص کند تا در طرف موضوع دادن مجوز ورود به سوری‌ها برای به جا آوردن مناسک حج را بررسی کنند. در واقع این نخستین قدم برای عقب‌نشینی‌های بعدی عربستان به شمار می‌رود و باید در آینده منتظر باز شدن سفارت عربستان در سوریه بود. «عادل الجبیر» وزیر مشاور در امور خارجه عربستان نیز بازگشایی سفارت این کشور در دمشق را مشروط به پیشرفت روند سیاسی عنوان کرده است. این مسئله خود تاییدی بر این مدعاست که عربستان به دنبال بازنگری در موضع خود در مورد سوریه است.

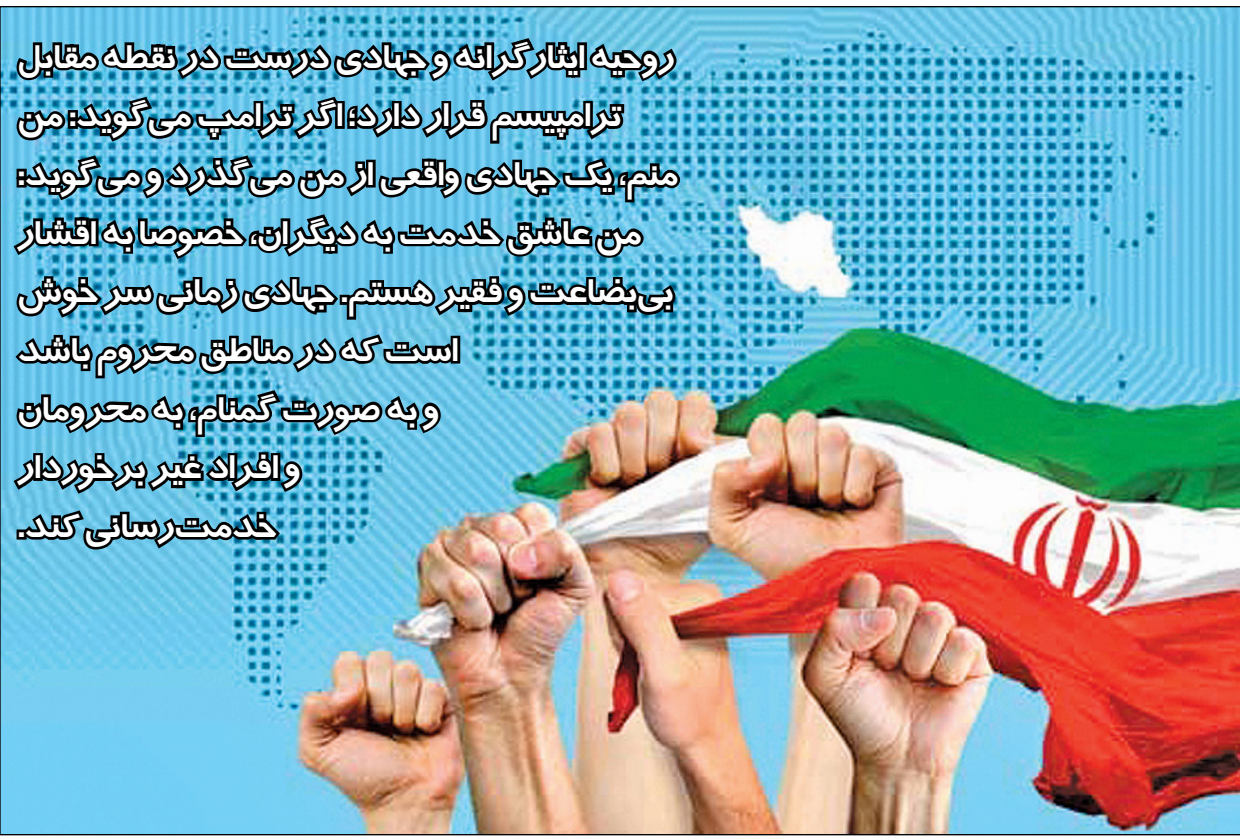
۱. عادی سازی تدریجی روابط

موج عادی سازی روابط با سوریه در بین کشورهای عربی از آذرماه ۹۷ شروع شده است. بحرین و امارات سفارت‌های خود را در سوریه بازگشایی کرده‌اند و کشورهای دیگر عربی در مسیر تکرار این مسئله هستند. اردن نیز روابط خود را با سوریه بهبود بخشیده است و اخیراً دولت اردن پس از هفت سال با انتشار بیانیه‌ای از صدور مجوز عبور هواپیماهای این کشور از حرم آسمان سوریه خبر داد. حکومت اردن سال ۲۰۱۲ و همزمان با آغاز جنگ داخلی در سوریه تمام پروازهای خود به این کشور را لغو کرد و یک سال بعد نیز سفیر خود را از دمشق فرا خواند. روابط دمشق-امان سال ۲۰۱۴ و پس از اخراج سفیر سوریه از اردن به طور کامل قطع شد. اکتبر ۲۰۱۸ اردن یک گذرگاه مرزی مهم با سوریه را بازگشایی کرد که به مدت ۳ سال به علت جنگ داخلی سوریه بسته شده بود. همزمان یک هیئت پارلمانی اردن به

دریچه‌ای به جهان
khareji@kayhan.ir

تقابل ترامپیسسم و روحیه جهادی

در ۴۰ سال تجربه انقلاب اسلامی



و به خاطر طمع بی‌پایان خود، به بند می‌کشد. ترامپ در هر صورت، واقعا یک انسان آمریکایی به کمال رسیده و تمام غیراست، اصولاً، انسان موفق آمریکایی انسانی است که برای پول درآوردن، ریسک‌پذیری بالا دارد و برای کسب سود بیشتر، یک ماجراجوی واقعی است؛ مثل «استیو جابز»، «فورد»، «بیل گیتس» و خود ترامپ. در آمریکا این افراد، انسان‌های کامل و به مقصود رسیده هستند. به همین خاطر، باید سرمشق همه باشند و زندگی‌نامه آنها باید با آب و تاب فراوان نوشته شود، تا همه کسانی که در اوان زندگی هستند و یا از این پس به دنیا می‌آیند، همین راه را بروند و تبدیل به یک فرد و بیل گیتس و ترامپ دیگر بشوند. دستان مرئی و نا مرئی با پارگیری از این طریق، به طور دائم ماشین‌های بلعنده و همه چیز خوار آمریکا را سوخت‌رسانی می‌کنند، و این ماشین‌های حریص و حریص‌تر شود و همان‌طور که می‌بینیم، می‌خواهد کل جهان و کائنات را بلعند.

ترامپ و ترامپیسسم، پیشینه اروپایی دارند؛ از نگاه این‌س تاجر اروپایی‌ی الاصل، دیپلماسی همان تجارت است. پدیده «دیپلماسی تجاری» (و یا مسامحتا، مرن‌کتیلیسم، یک میراث ۵۰۰ ساله اروپایی‌ها است. از همان میانه قرن پانزدهم که دربانوردان پرتغالی به شرق آمدند و در جزایر خلیج‌فارس لنگر انداخته‌اند تا جرقه فروشند، دیپلماسی پوست‌اندازی کرد و تبدیل به دیپلماسی تجاری شد. از آن زمان به بعد بود که به همراه پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها هم آمدند و تا شرق دور

هم پیش رفتند و سپس، هلندی‌ها و انگلیسی‌های طماع هم به آنها پیوستند. عاقبت نیز تمام این میراث شوم، یکجا به آمریکایی‌ها رسیده و الان هم، ترامپ این کاروان غارتگر را پرچمداری می‌کند.

اما همان‌طور که گفته شد، ترامپیسسم یک عارضه است و قرار نیست که این عارضه در درون مرزهای آمریکا محصور بماند. به همین خاطر عارضه ترامپیسسم، سال‌هاست که وارد کشورخودمان ایران شده و علامت بالینی این بیماری از من می‌گذرد و می‌گوید: من عاشق

ترامپیسسم مقابل روحیه جهادی

انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا، روی تکیه جهادی سرمایه‌گذاری کرده بود و قصد داشت با تکیه بر همین روحیه، آرمان‌های بلند خود را به فعلیت برساند. روحیه اینارگانه و جهادی درست در نقطه مقابل ترامپیسسم قرار دارد، اگر ترامپ می‌گوید: من منم، می‌جهادی واقعی از من می‌گذرد و می‌گوید: من عاشق خدمت به دیگران، خصوصاً به اقشار بی‌بضاعت و فقیر محروم باشم و به صورت گمنام، به محرومان و افراد غیر برخوردار، خدمت‌رسانی‌کنند. جهادی بودن و گرایش درونی کمک به محرومان، دیگر یک عارضه نیست، بلکه جامعه‌تاثیر فطری و جزو آرمان‌های همیشگی بشری بوده، هست و خواهد بود.

ترامپیسسم به دنبال نابودی انسان‌ها است، تا خودش را و کشورش را از ویرانه‌ها بالا بکشد. اما جهادگر به دنبال

گروه‌های تروریستی باقی مانده است و شروع عملیات آزادسازی این شهر نیز به زودی خواهد بود. عربستان در این راستا تلاش دارد تا طرح‌های خود علیه سوریه را به‌روزرسانی کرده و از راه‌های دیگری به دنبال ضربه زدن به محور مقاومتی باشد که سوریه به عنوان کمر آن معروف است. بنابراین دلیل مهم عقب‌نشینی عربستان در برابر سوریه شکست طرح‌های ۸ ساله این کشور علیه دمشق است.

۳. بازسازی؛ پروژه جدید عربستان

عربستان پس از شکست در طرح‌های مختلف منطقه‌ای خود اکنون به دنبال آن است تا به نوعی از راه‌های دیگر به مسائل مهم منطقه ورود پیدا کند و از این طریق بتواند با دشمنان و رقبای خود



مقابله کند. بازسازی سوریه یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای اجرای نقشه‌های دیگر عربستان است. از یک طرف نیاز شدید سوریه به سرمایه‌گذاری خارجی برای بازسازی می‌تواند به عنوان فرصتی برای اقتصاد عربستان باشد که با کسری بودجه بالای ۷۰ میلیارد دلاری مواجه است و از سوی دیگر همیشه راه‌های اقتصادی فرصت مناسبی برای نفوذ سیاسی به شمار می‌رود. عربستان این نقشه را از سال ۹۶ اجرا کرده است. در همین ارتباط پس از اعلام آزادسازی کامل شهر رقه، «هرت مک‌گورک» نماینده آمریکا در انتلاف به اصطلاح ضدعاش، به همراه «تامرالسپهان» وزیر مشاور در امور خاورمیانه عربستان وارد شهر رقه شدند. حضور تامرالسپهان، وزیر جنجالی سعودی در شهرک عین‌العرب سوریه در حومه الرقه، اولین ظهور

روحیه اینارگانه و جهادی درست در نقطه مقابل

ترامپیسسم قرار دارد؛ اگر ترامپ می‌گوید: من

منم، یک جهادی واقعی از من می‌گذرد و می‌گوید:

من عاشق خدمت به دیگرانم، خصوصاً به اقشار

بی‌بضاعت و فقیر هستم. جهادی زمانی سرخوش

است که در مناطق محروم باشد

و به صورت گمنام، به محرومان

و افراد غیر برخوردار

خدمت‌رسانی‌کنند.

برای خود توبه دوخته، و از مال مردم برای خودشان اندوختند و حتی با جسارت تمام، پش را هم داده‌اند، روحیه جهادی هم کم‌کم به محلق رفت و جهادگر، تنها و منزوی شد. در این مقطع بود که هر کس به دنبال سهم خود افتاد و حقوق‌های آخر ماه برای بسیاری تبدیل به ملاک شد و این روند آن قدر سرعت گرفت که بالاخره به مرحله حقوق‌های نجومی رسید.

این یک واقعیت است که وقتی یک چرخ دنده در سیستمی درست کار نکند، کل سیستم را مختل می‌کند. بسیاری از کسانی که در کف جامعه روحیه جهادی داشته اند، وقتی دیدند مسئولان روحیه ترامپی دارند، در مورد کشش خودشان به تردید افتادند و کم‌کم دل‌درد شدند و سر انجام رویه خودشان را عوض کردند. این بزرگ‌ترین خسران در نظام جمهوری اسلامی بوده و خسارتش از هر جنگی بیشتر است.

در این‌س مقطع بود که برای خیلی‌ها درستکاری اجتماعی رنگ باخت و خمعی هم به این فکر افتادند که کارهای نکرده خود را جبران کنند و به اصطلاح، سهم خودشان را ببرند.

در ایران نیز پس از گسترش مرض ترامپیسسم، در مقاطعی تلاش شد که به سبک جامعه آمریکایی، ثروت و قدرت دست به دست بدهند؛ برخی از قدرتمندان ثروتمند شدند و فساد در قالب خصولتی‌ها، آقا‌داده‌ها... و شماری از مدیران گسترش یافت. در میان این مسئولان و مدیران رفتار مبتنی بر سودجویی، جای رفتار جهادی را گرفت.

در هر صورت، به نظر می‌رسد که زیر بنایی ترین و مهم‌ترین چالش برای نظام جمهوری اسلامی ایران طی ۴۰ سال اخیر، همین ترامپیسسم بوده و هنوز هم هست.

هر چند روحیه جهادی نیز روز به روز در جامعه و به ویژه جوانان، گسترده‌تر می‌شود و این اتفاق دل‌هر دوستدار

صفحه ۸
پنج‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۷
۷ رجب ۱۴۴۰ – شماره ۲۳۱۴۸

هم برای او دیگر مجاز نیست؛ چون او امکاناتی را در اختیار دارد که دیگران ندارند. به علاوه، از همان ابتدا قرار بود که او خدمتگذار مردم باشد. کجای دنیا مرسوم است که خدمتگذار از آرایش پول بیشتری داشته باشد، بیش از او پز بدهد و آرایش برای او هورا بکشد و کف بزدا! اگر روحیه جهادی نذار و اگر عارضه ترامپیسسم او را نمی‌کند، برود به کار دیگری مشغول شود؛ زمین خدا فراخ است و اتفاقاً خدمت کردن به مردم که فقط از مسیر ست گرفتن صورت نمی‌گیرد.

خدمتگذار باید به وظایف خدمتگزاری خود آشنا باشد. او باید به قانتسون «از کجا آورده‌ای؟»، شدیدا پایبند باشد.

برای کل دوران ۴۰ ساله پس از انقلاب، می‌توان بر اساس دو مفهوم جهادی بودن و ترامپیسسم، رد پاها را مشخص و در مورد مسیرهای درست و نادرست قضاوت کرد. اگر دست‌اندرکاران در طول این ۴۰ ساله، خانه شان را آباد کرده اند، یعنی از لحاظ اقتصاد فردی، فراتر از حد معمول پیش‌اند داشته‌اند، یقین بدارند که کشور را خراب کرده‌اند. چون در مقطعی بر اساس رویه ترامپیسسم عمل کرده‌اند. اما اگر در طی این مدت از یک زندگی معمول فراتر نرفته‌اند، این افراد نه روحیه جهادی عمل کرده‌اند، بلکه فراتر از آن، اینار کرده‌اند و جزو شهیدان زنده هستند.

آقایان خواص و آقاها و آقا‌داده‌ها و مدیران ارشد و کارشناسان و سیاستمداران، شماها از کدامین گروه هستید؟ آیا سالم مانده‌اید و یا سال‌هاست که به عارضه شوم ترامپیسسم مبتلا شده‌اید و دیگری، به معالجه‌تان امیدوی نیست؟ آیا مدیر بوده‌اید و در سایه یک شغل حکومتی، به آلاف و اوفوف رسید‌اید؟ کرور کرور درآمد داشته‌اید؟

جمع‌بندی

مردم به طور فطری کم وبیش می‌دانند که



«ترامپیسسم» چیست. آنها با روحیه جهادی هم آشنا هستند و به یک جهادگر واقعی، علاقه نشان می‌دهند. آنها این را هم می‌فهمند که کی دار نقش بازی می‌کند، می‌فهمند که کی مذهب‌ات است که نیاز عارضه ترامپیسسم شده است و دیگر ابزاری به به او نیست.

معالجه بیماری ترامپیسسم، نا ممکن نیست، ولی این علاج خیلی سخت است، باید پیشینی و حساب و کتاب بکنی، همه آنچه را که به طور معمول‌جزو و از راه رات و نامشروع و هزار بار دیگر به دست آورده‌ای، به ملت برگردانی. این کار، خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی و مردم خواهد بود و این مهم مهم‌تر اینکه انسان را به فطرت اولیه و پاکش برمی‌گرداند.

آقای مسئول محترم تو باید این را بدانی که ترامپیسسم یک عارضه است و ماندنی نیست؛ اگر دو سال، سه سال یا صد سال بماند، باید بروی. چون انسان‌ها به لحاظ فطری، از ترامپیسسم رویتگرند هستند. چه خوب است تا زمانی که مسئولیتی را پذیرفته‌ایم، روحیه جهادی در ما حفظ و تقویت شود.

۵. تلاش برای راهی از انزوا

یکی از مهم‌ترین نیازهای کنونی عربستان در عرصه بین‌المللی گذار از انزوا می‌باشد. حاصل از قتل جمال خاشقچی است. عربستان با قتل خاشقچی جامعه بین‌الملل را در برابر خود قرار داد. محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به عنوان عامل اصلی این قتل مطرح شده است. این مسئله برای عربستان تبعات زیادی به دنبال داشته است و برخی از کشورهای اروپایی مانند آلمان صدور سلاح به عربستان را تحریم کرده‌اند و در کنفره آمریکا پایان فروش سلاح به عربستان در دست بررسی است. علاوه بر این بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی از عربستان خارج شده‌اند و اکنون بن سلمان سعی دارد تا به نوعی از این انزوا رهایی یابد. سفر به کشورهای آفریقایی، نشست در اجلاس جی ۲۰ در آرتزانتین، تور آسیایی و سفر به پاکستان، هند و چین و در نهایت انتخاب ریما بنت بندر به عنوان سفیر عربستان در آمریکا(به عنوان اولین سفیر زن در تاریخ عربستان) به عنوان مهم‌ترین اقدامات عربستان با هدف رهایی از انزوا ی بسا خاشقچی و ترمیم چهره این کشور است. در شرایط کنونی عربستان سعی دارد تا مواضع بین‌المللی خود را برای گذار از این مرحله به نوعی تعدیل کند و به همین دلیل عربستان با بر خلاف تمامی مواضع قبلی خود در مورد تحریم هرگونه رابطه با سوریه اکنون کنسولگری خود را در سوریه باز کرده و نشانه‌هایی از تمایل ریاض برای بازگشایی سفارت در ماه‌های آینده دیده می‌شود. در واقع این تلاش بن سلمان برای عبور از تنگنای بین‌المللی کنونی تعبیر می‌شود، چرا که یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌های آل‌سعود برای رهایی از مشکلات، تمرکز بر موضوعات جنجالی است.

نتیجه

کشورهای عربی و به ویژه عربستان برای پیروزی در میدان صلح و مقابله با ایران در سوریه، راهبرد جدیدی طرح ریزی کرده‌اند. آغاز احیای روابط کشورهای عربی هم پیمان به عربستان با دولت سوریه و اعلام آمادگی آنها برای مشارکت در بازسازی سوریه را به همین راستا در نظر گرفت. پیورونیوز در این رابطه نوشته است، عربستان در حال ایجاد جبهه جدیدی برای مقابله با ایران در سوریه از طریق ورود به مسئله بازسازی سوریه و احیای روابط دیپلماتیک با دمشق است. در این رابطه، دونالد ترامپ اعلام کرد، عربستان سعودی در حال حاضر موافقت کرده است تا پول لازم برای بازسازی سوریه را پرداخت کند. نکته مهمی که در این مورد وجود دارد لزوم هویشاری دولت سوریه است. در واقع هرچند نیاز شدید سوریه به سرمایه‌گذاری برای بازسازی باعث خواهد شد تا دمشق از همه کشورها در این مورد کمک بخواهد اما نباید از توطئه‌های جدید جبهه غربی- عربی و عبی در مورد خود غافل باشد. در واقع از این جبهه که در سال گذشته تمام توان خود را برای تجزیه و ساقط کردن نظام سوریه به کار گرفته‌اند و حتی اخیراً توطئه ایجاد منطقه امن را در دست بررسی دارند نباید انتظار کمک صادقانه داشت. عربستان همان‌طور که از طریق خرید زمین‌های جنوب عراق و کمک به غسایش این کشور به دنبال نفوذ و تاثیرگذاری منفی در این کشور بوده در سوریه نیز دقیقاً به دنبال اهداف مشابهی خواهد بود. در واقع دمشق باید در امر بازسازی بین کشورهای دوست و دشمن تفاوت قائل شده و محوریّت در امر بازسازی را به متحدین خود دهد. چرا که در غیر این صورت سوریه به عرصه‌ای برای اجرای توطئه‌های جدید علیه دمشق در قالب و پوشش بازسازی و سرمایه‌گذاری خواهد بود.

منبع: راهبرد معاصر